

عوامل حفظ و توسعه سرمایه اجتماعی خانواده در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان

سید محمود میرخلیلی^{۱*}، علی عسگری مروت^۲، مسلم واحدی^۲

۱. دانشیار دانشکده حقوق، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۲۸)

چکیده

خانواده به عنوان یک منبع سرمایه اجتماعی با قابلیت‌هایی که در آن حاکم است، در اجتماعی‌سازی و تربیت فرزندان نقش اساسی و بنیادی ایفا می‌کند. هدف اصلی مقاله حاضر بررسی عوامل اقتصادی، نظارت والدین، تثبیت و تحکیم خانواده، کیفیت محیط زندگی و توانایی تربیتی والدین به عنوان عوامل حفظ و توسعه سرمایه اجتماعی خانواده به منظور پیشگیری از انحرافات اجتماعی و ارتکاب جرایم اطفال و نوجوانان است. بنابراین، با بررسی نظریه‌های جرم‌شناسی به این موضوع پرداخته شده است که خانواده تا چه حدی در پیشگیری از جرایم اطفال و نوجوانان مؤثر است. به عبارت دیگر، اگر سرمایه اجتماعی خانواده تضعیف شود، طبق نظریه جرم‌شناختی «معاشرت‌های ترجیحی» اطفال و نوجوانان از محیط خانواده فاصله گرفته و به گروه‌های بزهکارانه پناه می‌برند و این امر سبب می‌شود بسترهای ارتکاب جرم برای این دسته از اشخاص فراهم شود و در نتیجه طبق نظریه «یادگیری اجتماعی» افراد یادشده با قرارگرفتن در محیط بزهکارانه، نحوه ارتکاب جرم را فراگیرند.

کلیدواژگان

اطفال و نوجوانان، بزهکاری، پیشگیری، خانواده، سرمایه اجتماعی.

* نویسنده مسئول، رایانامه: mirkhalili@ut.ac.ir

مقدمه

انسان از جمله موجوداتی است که برای ادامه حیات خویش، و رشد و پیشرفت ناگزیر به سایر انسان‌ها وابسته است و به همین علت، روی به زندگی جمعی و نهادهای اجتماعی می‌آورد. در طول زندگی، جامعه‌پذیری در نهادهایی مانند خانواده، مدرسه و جز آن صورت می‌پذیرد. خانواده به عنوان کوچک‌ترین نهاد، تشکیل‌دهنده اساس جامعه و حافظ روابط انسانی است. نحوه ارتباط اعضای خانواده و تعامل آن‌ها با یکدیگر طوری است که محیط خانواده را برای تأمین نیازهای ضروری کودکان آماده می‌کند. هرگونه اختلال و نارسایی در عملکرد خانواده در بهنجارکردن فرزندان تأثیر نامطلوبی دارد (عبدالهی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۳). خانواده به عنوان مهم‌ترین رکن اجتماع، همواره مورد توجه اندیشمندان و جامعه‌شناسان بوده است. به دلیل اهمیت بالای نهاد خانواده، نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی این نهاد را منبع مهم تولید سرمایه اجتماعی معرفی کرده‌اند. از جمله این اندیشمندان فوکویاما است. از نظر وی خانواده یکی از انواع مهم سرمایه اجتماعی است که با ازبین‌رفتن آن در جامعه آمریکا باعث تضعیف و کاهش سرمایه اجتماعی در این جامعه شده است. وی یکی از دلایل ازبین‌رفتن سرمایه اجتماعی را کاهش روابط خانوادگی می‌داند (فوکویاما، ۱۳۸۴، ص ۵۸). سرمایه اجتماعی ثروت و ظرفیت ارزشمندی محسوب می‌شود که خانواده در حفظ و توسعه آن نقشی بسزا را ایفا می‌کند. خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل جامعه‌پذیری انسان‌ها، می‌تواند هنجارهای اجتماعی، منافع جمعی و جز آن را در انسان‌ها درونی می‌کند و باعث حفظ و توسعه سرمایه اجتماعی و در نتیجه، پیشگیری از وقوع انحرافات اجتماعی و جرایم شود. در پژوهش حاضر پیرامون سه مسئله بحث و بررسی خواهد شد، ابتدا درباره رابطه سرمایه اجتماعی و پیشگیری، این پرسش مطرح می‌شود که آیا در صورت افزایش سرمایه اجتماعی، به ویژه سرمایه اجتماعی خانواده، نسبت به اطفال و نوجوانان پیشگیری محقق می‌شود؟ مسئله دومی که مطرح می‌شود، این است که جایگاه و نقش خانواده به عنوان اساس تشکیل جوامع، در تقویت سرمایه اجتماعی و در نتیجه پیشگیری از جرم چیست؟ و چگونه می‌تواند به این وظیفه مهم نائل شود؟ و آخرین و مهم‌ترین پرسش اینکه عوامل مؤثر در حفظ و توسعه سرمایه اجتماعی

خانواده به منظور پیشگیری از جرایم اطفال و نوجوانان کدامند؟ بر این اساس، در پژوهش حاضر ابتدا به رابطه سرمایه اجتماعی و پیشگیری و سپس، به جایگاه و نقش خانواده در شکل‌دهی به سرمایه اجتماعی و در نهایت، به بررسی موردی عوامل حفظ و توسعه سرمایه اجتماعی خانواده به منظور پیشگیری از جرایم اطفال و نوجوانان پرداخته می‌شود. امید است نتایج پژوهش حاضر در رسیدن به این اهداف یاری‌رسان باشد.

سرمایه اجتماعی و پیشگیری، و ارتباط آن‌ها با یکدیگر

مفهوم سرمایه اجتماعی برای اولین بار در جامعه‌شناسی ظهور کرد و بعد وارد متون نظری اقتصاد شد. سرمایه اجتماعی قدمتی طولانی در علوم اجتماعی دارد و می‌توان آن را در آرای اندیشمندان متقدم و کلاسیک علوم اجتماعی جست‌وجو کرد (ذکائی، ۱۳۸۴، ص ۷). واژه سرمایه اجتماعی را هانی‌فان^۱ (۱۹۱۶) برای اولین بار به کار برد. جاکوبز^۲ (۱۹۶۱) این واژه را در کتاب معروف خود با عنوان *شهرهای آمریکایی*، به کار گرفت و هانرز^۳ (۱۹۶۹) نیز کتابی درباره فرهنگ اقلیت‌ها نوشت و این واژه را در کتاب خود به کار برد. سرمایه اجتماعی مجموعه‌ی هنجارهای موجود در یک سیستم اجتماعی است که باعث ارتقای میزان همکاری اعضای آن جامعه می‌شود و موجب کاهش سطح هزینه‌های ارتباطات می‌شود (Fukuyama, 1995, p.5). نظریه بانک جهانی^۴ (۱۹۹۶) سرمایه اجتماعی را پدیده‌ای می‌داند که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر کمیت و کیفیت روابط اجتماعی است و آن را به این شرح تعریف می‌کند: انسجام و پیوستگی درونی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، هنجارها و ارزش‌هایی که بر روابط میان مردم و مؤسسات حکم‌فرماست. به نظر کلمن، سرمایه اجتماعی به‌طور خاص، از طریق پیوندهای نخستین مثل خویشاوندی بروز می‌کند. وی بیان می‌کند ریشه مؤثرترین اشکال سرمایه اجتماعی به روابط

1. Hanifan

2. Jacobs

3. Hannerz

4. World Bank Social Capital Initiative

ایجادشده در دوران کودکی برمی گردد (Coleman, 1991, p.3). بنابراین، کلمن بر این اعتقاد است که سرمایه اجتماعی به واسطه فرایندی که پیوندهای خویشاوندی را از بین می برد، از جمله طلاق و جدایی یا مهاجرت، تضعیف می شود. وقتی خانواده شبکه فعلی خویشاوندی و دوستی و سایر تماس های خود را کنار می گذارد، ارزش سرمایه اجتماعی شان کاهش می یابد. پیشگیری به معنای جلوگیری از هرگونه اقدامی است که طیب یا مأمور بهداری برای جلوگیری از بروز مرض انجام می دهد (عمید، ۱۳۷۴، ص ۳۵۷). از منظر جرم شناسی، پیشگیری جلوگیری از بزهکاری با توسل به اقدامات گوناگون است. به عبارت دیگر، منظور از پیشگیری هر اقدام سیاست جنایی است که هدف انحصاری آن غیرممکن کردن یا دشوار کردن امکان وقوع آن است، بدون توسل به اقدامات کیفری. به سخن دیگر، می توان گفت پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان دو هدف را پیگیری می کند؛ ۱. پیشگیری از رفتارهای ضداجتماعی آنان در مراحل اولیه زندگی؛ ۲. نظارت و حمایت از آن ها (معظمی، ۱۳۸۸، ص ۴۴). یکی از اقسام پیشگیری اجتماعی، پیشگیری خانواده محور است. در پیشگیری اجتماعی جرم شناسان علت وقوع انحرافات اجتماعی و جرایم را در محیط اجتماعی فرد می دانند که انریکوفری^۱ یک از جرم شناسان مکتب تحقیقی علت جرم را در محیط اجتماع فرد جست وجو کرد (کی نیا، ۱۳۸۲، ص ۱۵).

سرمایه اجتماعی در تلاش است تا از طریق روابط متقابل، اعتماد، هنجارها و شبکه های اجتماعی امکان مشارکت افراد در کارهای جمعی را با هدف کسب منافع متقابل فراهم کند. از این منظر، سرمایه اجتماعی به عنوان ابزاری کارآمد، ظرفیت بالایی در تبیین مسائل و موضوعات اجتماعی از جمله جرایم را خواهد داشت. در واقع، سرمایه اجتماعی از طریق تقویت هنجارهای غیررسمی و افزایش میزان اعتماد بین شبکه های اجتماعی سعی دارد خودکنترلی را بین کنش گران اجتماعی بگسترده و باعث افزایش راهکارهای پیشگیری از جرم شود و هزینه های مربوط به مجازات و ضمانت اجرای کیفری به میزان قابل توجهی بکاهد. سرمایه اجتماعی خانواده شامل

1. Enrico Ferri

روابط گرم بین فرزندان و والدین و مدت زمانی است که باهم سپری می‌کنند و بدین طریق هنجارها و ارزش‌ها را به نسل بعدی منتقل می‌کنند، همچنین، سرمایه اجتماعی مدرسه و میزان ظرفیت و توانایی آن در آموزش و انتقال هنجارها به دانش‌آموزان و افزایش اعتماد به نفس آن‌ها نسبت به سایر نهادهای جامعه همگی در جامعه‌پذیرکردن اطفال و نوجوانان و کمک به تحقق اهداف پیشگیری رشدمدار مفید خواهد بود. درباره ارتباط پیشگیری جامعه‌مدار و سرمایه اجتماعی، تأکید بر مشارکت و همکاری شهروندان در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و به‌کارگیری ظرفیت بالقوه آنان در مدیریت مسائل و معضلات اجتماعی که زمینه‌ساز ارتکاب جرایم است، در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد است. از همکاری و مشارکت مردم و کنشگران همچنین، می‌توان در مدیریت محیط‌های شهری و امور محله درباره تکنیک‌های پیشگیری وضعی استفاده کرد. در مجموع، سرمایه اجتماعی می‌تواند به‌عنوان ابزار و قابلیت بسیار مناسبی برای تحقق اهداف پیشگیری از جرم به شمار رود (معظمی، ۱۳۸۸، ص ۵۷).

جایگاه خانواده در شکل‌دهی سرمایه اجتماعی به‌منظور پیشگیری از بزهکاری

خانواده بزرگ انسانی از واحدهای کوچک‌تری شکل می‌شود که کهن‌ترین و طبیعی‌ترین آن خانواده است که از آغاز زندگی وجود داشته است. این واحد مانند سنگ‌بنای اول ساختمان اجتماع است که هرچه از استحکام بیشتری برخوردار باشد، به استحکام بیشتر جامعه منجر خواهد شد. خانواده متشکل از پدر، مادر و فرزندان است. یکی از جامعه‌شناسان در تعریف خانواده گفته است: «خانواده یک گروه خویشاوند است که در اجتماعی کردن فرزندان و برآورد برخی نیازهای پیشنهادی دیگر جامعه، مسئولیت اصلی را بر عهده دارد» (کوئن^۱، ۱۳۷۱، ص ۱۲۷). زندگی خانوادگی بشر کاملاً طبیعی است. به عبارت دیگر، انسان ذاتاً «منزلی» خلق شده است. بر فرض اگر در طبیعی بودن زندگی «مدنی» انسان شک کنیم، در طبیعی بودن زندگی «منزلی» یعنی زندگی

1. Cohen

خانوادگی او نمی‌توان تردید کرد (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۱۴۷). خانواده در حفظ و انسجام قدرت ملی نقش اساسی دارد، بر همین اساس، در اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر شده است: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌ها مربوطه باید برای آسان‌کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد (اشرافی، ۱۳۷۵، ص ۱۵). دورکیم^۱ در کتاب *صور اولیة حیات دینی* دین را اساس و پایه خانواده به شمار می‌آورد زیرا همه نهادهای بزرگ اجتماعی از جمله نهاد خانواده به زعم وی، در دین متولد شده‌اند و معنای عقاید و مقصود جامعه، روح دین است. تربیت فرزندان ثمره زندگی است، بدین معنا که زندگی دنیایی به وسیله فرزندان استمرار می‌یابد. اعمال صالح استمرار وجودی ما در آن دنیا و فرزندان صالح هم استمرار وجودی ما در این دنیا هستند (احمدی، ۱۳۸۵، ص ۷۹). زمانی که خانواده نقش و کارکرد خود را برای اجابت انتظارات و توقعات اعضایش از دست می‌دهد و در امر نظارت بر رفتار اعضای خود ناتوان می‌شود، خانواده به اصطلاح «از هم گسیخته» محسوب می‌شود. در چنین خانواده‌هایی زمینه ارتکاب جرایم و انحرافات اجتماعی به وجود می‌آید و در اثر طردشدن فرد از محیط خانواده و اجتماع، فرد دچار نوعی آشفتگی در هویت و احساس طردشدگی از جامعه می‌شود که خود باعث ارتکاب جرایم و برهم‌خوردن امنیت اجتماعی است. در واقع، می‌توان علت بزهکاری اطفال و نوجوانان را در ازهم‌پاشیدگی خانواده‌ها، کمرنگ‌شدن میزان باورها و اعتقادات اخلاقی و جز آن جست‌وجو کرد که در این بین، باید به خانواده به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل اشاره کرد (نیکوگفتار، ۱۳۸۴، ص ۲۱-۲۲).

عوامل توسعه سرمایه اجتماعی در خانواده به‌منظور پیشگیری

اساس سرمایه اجتماعی از ایجاد جوامع انسانی به وجود آمده است؛ اگر انسان تنها و به دور از

1. Durkheim

محیط اجتماع زندگی می‌کرد، سرمایه اجتماعی تأثیری در توسعه سطح زندگی وی نداشت. خانواده به‌عنوان منشأ و عامل غنای ارتباطات اجتماعی است که خود باعث تقویت سرمایه اجتماعی هم می‌شود. عوامل متعددی نظیر بهبود شرایط اقتصادی، نظارت هدفمند و مستمر والدین و جز آن می‌توانند شاکله یک خانواده را مستحکم و تقویت کنند. در این قسمت راهکارهای عملیاتی بهبود وضعیت سرمایه اجتماعی خانواده بیان می‌شود تا از این طریق بتوان گامی در جهت پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان برداشت.

بهبود شرایط اقتصادی و رفاهی خانواده‌ها

بهبود شرایط اقتصادی می‌تواند باعث انسجام و پایداری بیشتر نهاد خانواده شود. یکی از عوامل تقویت سرمایه اجتماعی خانواده، داشتن شرایط اقتصادی باثبات و استاندارد است؛ خانواده‌ای که شرایط اقتصادی قابل قبولی دارد، بهتر می‌تواند جوابگوی نیازهای اعضای خویش باشد و روابط اعضای آن استحکام و ثبات بیشتری داشته باشد. خانواده‌ای که از لحاظ اقتصادی ضعیف است، نمی‌تواند جوابگوی نیازهای اعضای خویش باشد و بر این اساس زمینه‌ای فراهم می‌شود تا اعضای آن به سمت ارتکاب انحرافات اجتماعی و جرایم کشیده شوند (کی‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۱۴۶). اینکه تمکن مالی در آسایش و تأمین زندگی فرزندان خانواده‌های مؤثر است، بدین معنا نیست که در میان فرزندان خانواده مرفه، بزهکاری وجود ندارد؛ بلکه ممکن است از خانواده‌های فاقد تمکن مالی کمتر نباشد. مسائل اقتصادی یکی از دغدغه‌های دین مبین اسلام است. رسول اکرم (ص) می‌فرمایند «کاد الفقر ان یكون کفرا» (الکافی، ۱۳۶۷، ص ۳۰۷). چه بسا فقر به کفر منجر شود. از این حدیث برداشت می‌شود اگر انسان‌ها در شرایط سخت اقتصادی قرار گیرند و از استانداردهای لازم برای یک زندگی قابل قبول برخوردار نباشند، زمینه ارتکاب گناه و انحرافات، و سرانجام ارتکاب جرایم به وجود می‌آید. همچنین، امام علی (ع) در حکمت ۱۵۴ نهج البلاغه می‌فرمایند: «الفقر هو الموت الاکبر» (سید رضی، ۱۳۷۹، ص ۸۷۶). به این معنا که فقر همان مرگ بزرگ است. در واقع، شخصی که فقیر است و در شرایط سخت اقتصادی به سر می‌برد، زندگی نمی‌کند و فقط زنده است، حتی بدتر از این، با توجه به این روایت شخص مرده است.

در دیدگاه مرتون^۱ فقر تنها متغیر تعیین کننده نیست، بلکه فقرا وقتی بزهکار می شوند که شیفته رسیدن به ارزش های تعریف شده توسط جامعه باشند و در اثر همین، به رقابت با افراد می پردازند که فرصت بیشتری از آن ها دارند. در چنین وضعیتی رفتار ضداجتماعی آنان طبیعی است (سخاوت، ۱۳۶۵، ص ۵۴).

همچنین، آلفرد مارشال اقتصاددان معتقد است درآمد فرد بر تصمیم و رفتار او تأثیرگذار است. چه بسا کسانی که بضاعت مالی زیادی ندارند، اما قادر باشند به فعالیت های دست زنند که دلخوشی بزرگی ایجاد کند (فرجاد، ۱۳۷۱، ص ۱۱۶). برعکس، ویلیام باگز^۲، اقتصاددان هلندی، فقر را علت همه انحرافات می داند. بر این نظریه اعتراضات زیادی شده، که خلاصه آن این است که انحرافات، خاص فقرا نیست و ثروتمندان و اغنیا نیز بزهکار می شوند. علت بزهکاری آنان را باید در رفاه بیش از حد اقتصادی و فقر فکری و معنوی جست و جو کرد (فرجاد، ۱۳۷۱، ص ۱۱۶).

از سوی دیگر، بعضی از صاحب نظران مشکلات اقتصادی را عامل اصلی آسیب های اجتماعی اطفال و نوجوانان می دانند. اساساً عوامل اقتصادی در کیفیت زندگی فردی و اجتماعی انسان ها مؤثر است. فقر مادی و توزیع ناعادلانه ثروت در کنار فقر فرهنگی عوامل مؤثر در بروز رفتارهای ضداجتماعی و ناهنجار است (صلاحی، ۱۳۸۷، ص ۸۰). بررسی ها نشان می دهد فقر علت اصلی ایجاد پدیده کودکان کار است. ۳۰ درصد از کودکان کار والدین با سابقه محکومیت دارند و ۴۰ درصد نیز والدین بی سواد یا کم سواد دارند، ۸۵ درصد کودکان کار، ایرانی و مابقی غیرایرانی هستند. براساس آمارها، ۲۲ درصد کودکان کار مورد اغفال قرار گرفته اند و هر کودک خیابانی دست کم یک تا دو سال در خیابان به سر می برد. کودکان کار در ایران رو به افزایش است (فراز، ۱۳۹۲، ص ۱).

1. Merton

2. William Bogs

نظارت هدفمند و مستمر والدین نسبت به فرزندان

نظارت ناکافی والدین بر فرزندان و از طرفی زیاده‌بودن مشغله کاری آن‌ها موجب می‌شود بین والدین و فرزندان جدایی و فاصله بیافتد و ارتباط گرم و صمیمی باهم نداشته باشند. در این دسته از خانواده‌ها والدین به علت نظارت نکردن، اطلاعی از این ندارند که فرزندشان اوقات فراغت خود را چگونه و با چه کسانی سپری می‌کند. مسئولیت بهداشت روحی و روانی فرزندان با والدین است، به‌ویژه اینکه این مسئولیت در دوران نوجوانی حساس‌تر می‌شود. اگر والدین کنترل و نظارت لازم بر فرزندان خود نداشته باشند احتمال گرایش به سمت انحرافات اجتماعی و ارتکاب جرایم در بین اطفال و نوجوانان بیشتر می‌شود. از سوی دیگر، باید تأکید کرد نظارت باید ویژگی‌هایی داشته باشد؛ در واقع، نظارت باید هدفمند باشد، یعنی صرف نظارت بر رفتار فرزندان و بازخواست آن‌ها نباشد، بلکه یک‌سری برنامه‌های مفید برای فرزندان تعریف شود و فرایند اجرای آن توسط والدین نظارت شود. همچنین، نظارت باید مستمر باشد، تا مفید واقع شود (الیاسی، ۱۳۸۰، ص ۲۱). حضرت علی (ع) در نامه معروف خود به امام حسن (ع) می‌فرمایند: «دل جوان همچون زمین خالی است، هر تخم که در آن افشاندن شود، بپذیرد. پس به ادب کردن تو پرداختم، قبل از آنکه دلت سخت شود و عقل و خردت گرفتار شود» (عبده، ۱۳۹۸ هـ. ق، ج ۲، ص ۵۹۷).

خانواده نیز مانند سایر نهادهای جامعه، در طول تاریخ دچار دگرگونی‌های ژرفی شده است. ورود صنعت و پیشرفت فناوری و فرایندهای ناشی از آن را می‌توان یکی از علل اساسی تغییر در ساخت و کارکرد خانواده مطرح کرد. از این رو، پیامد ورود صنعت و فناوری و به همراه آن فرهنگ غرب به ایران عبارت بود؛ رواج شهرنشینی، گسترش آموزش همگانی، الکترونیکی شدن خدمات و جز آن، طوری که این امر می‌تواند آثار منفی بر نظارت و تربیت فرزندان داشته باشد. برخی پژوهشگران نیز میزان نظارت پدر و مادر را با متغیرهای گوناگون بررسی کرده‌اند و نتایج آن‌ها نشان داده است که به‌طور کلی، هرچه میزان آگاهی پدر و مادر به دلایل شغلی، تحصیلی و دیگر متغیرها مانند مهارت در رایانه و اینترنت از فضای مجازی و آسیب‌های آن، بیشتر باشد،

رفتارهای مداخله‌گرانه بیشتری را در شیوه نظارت خود نشان می‌دهند (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۴۴).

در اروپا هم مثل آمریکا شواهدی مبنی بر کاهش سرمایه اجتماعی خانواده وجود دارد. پژوهشگران با مطالعه‌ای درباره بزهکاری نوجوانان و افراط‌گرایی جناح راست در برلین دریافتند نظارت والدین به‌عنوان عامل محافظتی، اهمیتی کمتر از حد انتظار آن‌ها دارد. تقریباً مشخص شد عوامل مخاطره‌ساز اصلی عبارت‌اند از عضویت در گروه همسالانی که فعالیت‌های فراغتی ضداجتماعی را ترجیح می‌دهند و احساس بی‌نظمی ناشی از بحران‌های اقتصادی و سیاسی مکرر که بر فرصت‌های زندگی جوانان برلینی تأثیرگذارند (کی‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۲۳۲). در اکثر اوقات، جدایی زوج‌ها با کاهش در میزان اعتماد پیوستگی دارد (Hall, 1999, p.444). نتایج مطالعات نشان داده است موضع‌گیری‌های مدیریتی ضعیف والدین، برای مثال فقدان نظارت و کنترل با رفتار مشکل‌ساز بچه‌ها، مانند بزهکاری، مصرف مواد مخدر، زودرسی جنسی ارتباط دارد. از این رو، کوتاهی خانواده در نظارت بر فرزندان و تربیت آن‌ها سبب ایجاد دو پیامد به شرح زیر می‌شود:

الف) بسترهای آشنایی و معاشرت با بزهکاران برای آن‌ها فراهم می‌شود.

این دیدگاه توسط ادوین ساترلند^۱ جامعه‌شناس آمریکایی با عنوان معاشرت ترجیحی مطرح شد. وی با تأکید بر اینکه رفتار در محیط اجتماعی یادگرفتنی است، دست به خلق یک نظریه عمومی از رفتار مجرمانه زد. زیرا از نظر وی همه رفتارها به‌طور یکسان قابل یادگیری است (ملک‌محمدی، ۱۳۸۶، ص ۸۹). منظور ساترلند از این نظریه این است که محتوای الگوهای طراحی‌شده در معاشرت از شخصی به شخص دیگر فرق دارد، یعنی بزه از نگاه ساترلند برخوردهای ارزش‌های متعارض بوده است. ساترلند در نظریه همنشینی بیان می‌کند: پیوستن نوجوانان به گروه همسالان بزهکار احتمال انحراف را بالا می‌برد (ملک‌محمدی، ۱۳۸۶، ص ۹۳).

1. Sutherland.

ب) یادگیری جرم

براساس نظریه یادگیری اجتماعی رونالد ایکرز^۱ که از نظریه همنشینی افتراقی ساترلند نشأت گرفته است، کودکان و نوجوانان ارتکاب جرم را از همان راهی فرامی گیرند که رفتارهای درست را می آموزند، یعنی از طریق ارتباط با دیگران. گروه های اولیه مانند خانواده یا گروه همسالان تأثیر زیادی در آموخته های افراد دارند. اساساً ارتباط با دوستان بزهکار بهترین شاخص برای پیش بینی بزهکاری اولیه است. برای یادگیری نباید فرد در تماس مستقیم با سایر افراد باشد، بلکه به طور غیرمستقیم هم فرد جرم را یاد می گیرد؛ مانند اینکه اعمال خشونت را با مشاهده آن در تلویزیون بیاموزد (ملک محمدی، ۱۳۸۶، ص ۹۵).

تقویت وابستگی و همبستگی بین اعضای خانواده

قرآن کریم برای دستیابی به حیات طیبه، بخشی از آیات آن به تنظیم و تعدیل روابط اعضای خانواده، حقوق و وظایف همسران و فرزندان اختصاص داده است. حسن معاشرت در خانواده در دو محدوده مرزهای حقوقی و دستورالعمل های اخلاقی تعیین می شود و تعبیر حسن معاشرت به عنوان وظیفه ای برای شوهر و حقی برای زن مطرح است که در آیه ۱۹ سوره مبارکه نساء بیان شده است: «عاشروهین بالمعروف»: با همسرانتان به خوبی رفتار کنید. در نفقه همه نیازمندی های جسمی زن باید تأمین شود و در حسن معاشرت همه نیازمندی های روحی او (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۳).

نظریه هیرشی^۲ حاکی از آن است که کاهش دل بستگی و صمیمیت در روابط متقابل اعضای خانواده روی میزان بزهکاری تأثیر مثبت می گذارد. هرچه هم بستگی میان اعضا بیشتر باشد، میزان کنترل بیشتر می شود. هیرشی یکی از جرم شناسان معروف چهار علقه اجتماعی را مطرح کرد که عبارت بود از عقیده یا باور، وابستگی و تعلق، تعهد و مشغولیت، به نظر وی هرچه فرد در هر یک از این عناصر نقش مهم تری داشته باشد، احتمال ارتکاب انحراف کمتر است. او معتقد است

1. Ronald Ikers

2. Hirshi

افرادی که با گروه‌های دیگر مثل خانواده، مدرسه و گروه همسالان رابطه قوی و محکمی داشته باشند، کمتر احتمال دارد مرتکب اعمال بزهکارانه شود. تحقیقات او در زمینه تأثیر دلبستگی به والدین، مدارس و گروه همسالان روی اعمال بزهکارانه نشان داد پسرانی که شدیداً دلبستگی به والدین دارند، نسبت به پسرانی که دلبستگی کمتری دارند، کمتر احتمال دارد مرتکب اعمال بزهکارانه شوند.

طرفداران نظریه کنترل جرم معتقدند فرزند از دوره نوزادی و نوجوانی جامعه‌پذیری را می‌آموزد و بهترین راه کنترل اجتماعی همانا فرایند جامعه‌پذیری است که از دوره کودکی شروع می‌شود. ما راه انجام دادن کارها را به صورت غیررسمی از خانواده و به صورت رسمی از مدرسه می‌آموزیم. براساس پژوهش لئوناردسایم^۱، افرادی که با دیگران تماس نزدیک ندارند، در مقایسه با کسانی که معاشرت بسیار دارند، درصد مرگ و میر آن‌ها بالاست. بدین سبب خانواده سنتی که اساس آن بر صمیمیت و نزدیکی بیشتری استوار است، برای اعضای خود مصونیت بیشتری می‌آورد. در پژوهشی در زمینه با زنان بیوه و جوان دریافتند که حمایت اجتماعی والدین، به ویژه حمایت عاطفی آن‌ها از فرد، در برابر فشار ناشی از فقدان همسر به بهترین وجه از آن حفاظت می‌کند (دی‌ماتئو^۲، ۱۳۷۸، ص ۵۹-۵۳).

یکی از روش‌های ارتقای سرمایه خانواده، گزینش رویکرد وابستگی اندام‌وار و کوشش در راستای برهم زدن تعصبات قومی، قبیله‌ای و سعی در بسط زناشویی‌های غیرخودی است. میزان طلاق در یک جامعه را می‌توان به مثابه بی‌ثباتی و تزلزل اجتماعی تلقی کرد، زیرا کودکان جامعه‌پذیری را در خانواده اصلی، از روابط والدین و همچنین از روابط خود با والدین، و برادران و خواهران فرامی‌گیرند. اثر منفی طلاق بر فرزندان متعلق به خانواده‌های ازهم‌پاشیده بسیار شدید است و عقده‌ای غیر قابل تحمل و توأم با نفرت در آن‌ها به وجود می‌آورد که شدیدتر از وضع یتیمی است (کی‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۷۸۸).

1. Leonard Syme

2. DiMatteo

طلاق یکی از عوامل مؤثر در ارتکاب جرم توسط اطفال و نوجوانان است. در سال‌های اخیر طلاق سیر صعودی داشته، و از رقمی حدود ۶۰ هزار در سال ۱۳۸۰ به ۱۶۶ هزار واقعه در سال ۱۳۹۵ رسیده، و در سال ۱۳۹۵ در برابر سه ازدواج یک مورد طلاق به ثبت رسیده است (روزنامه شرق، ۱۳۹۶، ص ۱۲). به موجب تحقیقات دنیس-زابو^۱، استاد جرم‌شناسی دانشگاه مونترال کانادا، بین طلاق و ارتکاب جرم رابطه مستقیم وجود دارد و طلاق عامل مؤثری در افزایش ارتکاب جرم به خصوص توسط کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست است (کی‌نیا، ۱۳۷۲، ص ۱۱۸).

از نظر روان‌شناسان، نقش خانواده انکارناپذیر است، زیرا از ده حادثه اول فشار روانی، شش حادثه آن بحران خانواده است. بحران‌هایی مانند مرگ همسر، جدایی و طلاق، جدال خانوادگی، مزاحمت منسوبان نزدیک و جز آن. در جدول هولمز و راهه^۲ ازدواج بعد از مرگ همسر از نظر تأثیر روانی بالاترین درجه را دارد و ۷۴ درصد قربانیان حمله قلبی، قبل از ابتلا به حمله قلبی، بحران خانوادگی داشته‌اند (پاول^۳، ۱۳۷۷، ص ۳۰-۲۴). کودکان نیز با ازدست‌دادن والدین، غمگین، ترسو و خشمگین می‌شوند و برای مراقبت از خود دچار اضطراب می‌شوند (دیماتو، ۱۳۷۸، ص ۷۲۸).

محیط زندگی مناسب

با توجه به فشارهای گوناگون و معضلات اجتماعی که ممکن است برای کودک و نوجوان ایجاد شود، مانند اعمال خشونت نسبت به آنان، اعتیاد والدین و شرایط سخت زندگی و جز آن فرار از خانه را به ماندن در آن شرایط سخت ترجیح می‌دهند و همین عامل باعث می‌شود درصد بزهکاری و بزه‌دیدگی آن‌ها بیشتر شود.

مسکن نامناسب به عنوان یک بستر برای ارتکاب جرم می‌تواند آثار نامطلوبی را داشته باشد. به‌طوری که در خانواده‌هایی که افراد در کنار همدیگر زندگی می‌کنند و از لحاظ سکونت در تنگنا

1. Dennis Szabo

2. Holmes and Rahe

3. Paul

و مضیقه‌اند، به‌ویژه در نقاط پرجمعیت شهری که چندین نفر مجبورند در یک اتاق سکونت داشته باشند، استعداد بزهکاری بیشتر است. نوجوانان که باید در همان اتاق پدر و مادر خود با سایر برادران و خواهران بزرگتر یا کوچکتر زندگی کنند و ناچارند هرگونه صدا، تمایل، سلیقه متضاد و دخالت‌های بی‌جای دیگران را از نزدیک احساس و تحمل کنند، استعداد بیشتری برای ارتکاب جرم دارند (ستوده، ۱۳۸۳، ص ۶۶).

زندگی در یک پرورشگاه برای بسیاری از کودکان به معنای ازدست‌دادن کانون گرم خانواده است. ساترلند جرم‌شناس معروف آمریکایی بر این اعتقاد است که کودکی که در پرورشگاه بزرگ می‌شود هرگز احساس خوشایندی نسبت به مربیان و پرستاران خود نخواهد داشت (کی‌نیا، ۱۳۷۴، ص ۲۲۶-۲۲۵). کینبرگ^۱ اضافه می‌کند زندگی در محیط پرورشگاه خصوصیتی دارد که همه از عوامل جرم‌زا هستند. یعنی زندگی محدودی است که افراد ناچارند تماس‌های روانی دائمی با هم داشته باشند و کودکان از ملاقات با سایر افراد جامعه محروم باشند (کی‌نیا، ۱۳۷۴، ص ۲۲۷-۲۲۶). نظریه «رده سنی کنترل اجتماعی نارس» سامپسون و لوب^۲ سه جزء دارد که به دوران زندگی فرد مرتبط است. جزء اول، جرایم بزهکاری اطفال و نوجوانان را بیان می‌کند؛ جزء دوم درباره گزاره‌های رفتاری است که اطفال و نوجوانان هنگام رسیدن به بزرگسالی طی می‌کنند. جزء سوم بیان‌کننده رفتار مجرمانه بزرگسالان است. سامپسون و لوب بیان می‌کنند مدرسه، بستر خانوادگی فرد، همسالان و خواهر و برادر به بهترین نحو بزهکاری اطفال و نوجوانان را ترسیم می‌کنند (Sampson & Robert, 2006, p.171).

ارتقای توانش تربیتی والدین

بی‌تردید خانواده‌ها ظرفیت‌های گوناگون در دریافت و انعکاس هنجارهای جمعی و سطح اعتماد، تعهد و پیوستگی دارند. با این حال، توان آفرینش باورها و التزام‌ها که در اصل همان ظرفیت

1. Kinberg

2. Sampson & Laub

برقراری ارتباط با اجتماعات بیرونی مشابه است. ظرفیت مهم یک خانواده محسوب شده و تفاوت تولید سرمایه خانواده‌ها به همین عنصر برمی‌گردد. اگرچه در این مورد ظرفیت و نحوه ارتقای آن، دانش اندکی وجود دارد، می‌توان درباره منابع تفاوت در خلق سرمایه خانواده به نظریه‌پردازی کرد (دیماتو، ۱۳۷۸، ص ۵۲۰).

پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «فرزندان را مورد احترام قرار داده و در تربیت و حسن ادب آن‌ها بکوشید» (مجلسی، ۱۳۶۲، ص ۹۵). یکی از روش‌های ارتقای سرمایه اجتماعی، ارتقای توان تربیتی والدین است. البته هنوز معلوم نیست معاضدت پدر و مادر چگونه بر ارتقای سرمایه خانواده و بالطبع سرمایه اجتماعی کمک می‌کند. با این حال، در نفس ارتقا تردیدی نیست. در محیطی که مبتنی بر معاضدت تربیتی پدر و مادر است، فرزند به‌خوبی با جهان خارج ارتباط می‌گیرد ارتباطی که پروتز^۱ آن را «پل‌بندی سرمایه اجتماعی» می‌خواند. حضور فرزند مقتضای آن است که والدین با بسط پیوندهای بیرونی خود با سایر خویشاوندان و همسایگان و همچنین نهادهای اجتماعی در ارتباط باشد. تجربه نشان داده است فرزندان در بسیاری از خانواده‌ها در برقراری این پیوندها و ارتباطات عقلانی قوی با بیرون خانوار، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارند. یکی از روش‌های ارتقای سرمایه خانواده ارتقای ظرفیت برخورداری خانواده از سرمایه اجتماعی موجود در جامعه است. اینکه چگونه والدین فرصت‌ها و تهدیدات را مدیریت می‌کنند، موضوعی مهم شده است؛ این امر به راهبرد والدین در سرمایه‌گذاری تربیت فرزندان مربوط می‌شود. از سوی دیگر، فرزندان نیز باید مهارت‌های لازم را برای تعادل‌بخشی به عرضه و تقاضای سرمایه اجتماعی در محیط خود کسب کنند. توانش فرزندان وابسته به سطح فراگیری اجتماعی و تفاوت روحی است (کی‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۴۲۳).

مطالعه تطبیقی کورسارو^۲ (۱۹۹۴) بین دانش‌آموزان ایتالیایی و آمریکایی نشان داد دانش‌آموز چگونه مدیریت مناسبات بین هم‌تایان و معلم خود را فرامی‌گیرد. تحقیق دیگری درباره خانوارهای

1. Proteoz
2. Corsaro

مرفه و غیرمرفه سخن می‌گوید که در سرمایه اجتماعی منعکس است و فرزندان را برای بسط مهارت‌ها در مدیریت مناسبات اجتماعی در درون و برون خانوارها آموزش می‌دهد (فراز، ۱۳۹۲، ص ۵۴). این خط پژوهشی برای ما روشن می‌کند چگونه فرزندان و والدین باید مهارت یابند تا بتوانند سرمایه اجتماعی را در راستای مقاصد خود به کار ببرند.

نتیجه

سرمایه اجتماعی در تلاش است از طریق روابط متقابل، اعتماد، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی امکان مشارکت افراد در کارهای جمعی را با هدف کسب منافع متقابل فراهم کند. از این منظر، سرمایه اجتماعی به عنوان ابزاری کارآمد، ظرفیت بالایی در تبیین مسائل و موضوعات اجتماعی، از جمله جرایم را خواهد داشت. به منظور پاسخ به پرسش اول (یعنی رابطه سرمایه اجتماعی و پیشگیری) باید گفت علت وقوع جرم دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد، از جمله دیدگاه‌های روان‌شناختی، زیستی، اجتماعی و جز آن. در دیدگاه اجتماعی ساختار اجتماعی نابرابر، فقدان منابع حمایت اجتماعی و کاهش سرمایه اجتماعی و غیره را جزء علل ارتکاب جرم می‌دانند. تقویت سرمایه اجتماعی خانواده، باعث افزایش میزان جامعه‌پذیری کودکان و نوجوانان می‌شود و تضادهای فردی و اجتماعی آن‌ها را حل می‌کند. این امر باعث می‌شود زمینه‌های ارتکاب انحرافات و جرایم بین اطفال و نوجوانان کاهش یابد. در مجموع، سرمایه اجتماعی می‌تواند به عنوان ابزار و قابلیت بسیار مناسبی برای تحقق اهداف پیشگیری از جرم به شمار رود. در زمینه جایگاه و نقش خانواده در شکل‌دهی به سرمایه اجتماعی به عنوان پاسخ به پرسش دوم، باید گفت زمانی که خانواده نقش و کارکرد خود را برای اجابت انتظارات و توقعات اعضایش از دست می‌دهد و در امر نظارت بر رفتار اعضای خود ناتوان می‌شود، خانواده به اصطلاح «از هم گسیخته» محسوب می‌شود. در چنین خانواده‌هایی زمینه ارتکاب جرایم و انحرافات اجتماعی به وجود می‌آید و در اثر پردشدن فرد از محیط خانواده و اجتماع، فرد دچار نوعی آشفتگی در هویت و احساس پردشدگی از جامعه می‌شود که خود باعث ارتکاب جرایم و برهم خوردن امنیت اجتماعی است. در واقع، می‌توان علت بزهکاری اطفال و نوجوانان را در ازهم‌پاشیدگی خانواده‌ها، کمرنگ شدن

میزان باورها و اعتقادات اخلاقی و جز آن جست‌وجو کرد. در نهایت، درباره عوامل توسعه سرمایه اجتماعی خانواده به عنوان پرسش سوم پژوهش حاضر، باید بیان کرد به منظور تقویت سرمایه اجتماعی خانواده می‌توان به عواملی مانند اقتصادی، نظارت والدین، تثبیت و تحکیم خانواده، محیط زندگی و توانایی تربیتی والدین اشاره کرد. مشکلات اقتصادی یکی از مهم‌ترین مسائلی است که اگر رفع شود، سرمایه اجتماعی خانواده می‌تواند در جهت اجتماعی سازی و عدم بزهکاری اطفال و نوجوانان نقش مستقیمی را داشته باشد. همچنین، نظارت نکردن خانواده می‌تواند بستر انحرافات اجتماعی و ارتکاب بزه در اطفال و نوجوانان را فراهم کند. بنابراین، خانواده به عنوان یک منبع سرمایه اجتماعی، باید نظارت خود را بر اطفال و نوجوانان افزایش دهد. در صورت نظارت نکردن، شخص با محیط‌های آلوده بیرون آشنا و بسترهای ارتکاب جرم برای وی فراهم می‌شود و نحوه ارتکاب جرم را یاد می‌گیرد. این امر را نظریه معاشرت ترجیحی و یادگیری جرم توجیه می‌کند. در ادامه، باید بیان کرد وابستگی اعضای خانواده به همدیگر و احساس همدلی، سرمایه اجتماعی خانواده را برای تربیت کودکان و اجتماعی سازی آن‌ها افزایش می‌دهد. یکی دیگر از عواملی که سبب تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود، محیط زندگی است. برای مثال، اگر کودک در یک محیط مملو از خشونت زندگی کند، می‌تواند بستر ارتکاب جرم و انحرافات اجتماعی را برای اطفال و نوجوانان مهیا کند. برخی خانواده‌ها به اصول تربیتی ناآشنا هستند و فرزندان را به طور ناصحیح تربیت می‌کنند. این امر می‌تواند سبب کاهش سرمایه اجتماعی خانواده شود. در این زمینه نظریه جرم‌شناسی «معاشرت‌های ترجیحی» ساترلند قابل توجه است که می‌تواند بیان‌کننده علت ارتکاب جرایم اطفال و نوجوانان باشد. به عبارت دیگر، اگر عوامل حفظ و توسعه سرمایه اجتماعی خانواده تضعیف شود، اطفال و نوجوانان با گروه‌های همسالان بزهکار و محیط‌های مجرمانه آشنا می‌شوند و از خانواده فاصله گرفته و با آن‌ها معاشرت می‌کنند، و در نتیجه، شیوه ارتکاب جرم را یاد می‌گیرند و مرتکب جرایم و انحرافات اجتماعی می‌شوند.

منابع و مأخذ

۱. احمدی، علی اصغر (۱۳۸۵). *خانواده و فرزندان در دوره پیش دبستان*. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
۲. الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۰). *تعارضات والدین و فرزندان و خلأ فرهنگی-آموزشی*. ماهنامه فرهنگی-آموزشی *پیشگامان*، سال ۳، شماره ۳۱.
۳. دانش، تاج زمان (۱۳۷۶). *مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟*. تهران: انتشارات کیهان.
۴. دانش، تاج زمان (۱۳۸۵). *طفل بزهکار کیست؟ روش اصلاح و تربیت او چیست؟*. تهران: انتشارات کیهان.
۵. رجبی پور، محمود (۱۳۸۷). *مبانی پیشگیری اجتماعی از بزهکاری اطفال و نوجوانان*. تهران: نشر منتهی.
۶. سخاوت، جعفر (۱۳۶۵). *علل ساختاری اعتیاد در ایران*. تهران: دانشگاه پیام نور.
۷. سید رضی، شریف (۱۳۷۹). *نهج البلاغه*. ترجمه عبدالمحمد آیتی، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۸. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۵). *بزهکاری اطفال و نوجوانان*. تهران: انتشارات مجد و ژوبین.
۹. صدری افشاری، غلامحسین (۱۳۶۹). *فرهنگ زبان فارسی امروز*. تهران: نشر کلمه.
۱۰. صلاحی، جاوید (۱۳۸۷). *کلیات بزهکاری اطفال و نوجوانان*. تهران: نشر میزان.
۱۱. صلاحی، جاوید (۱۳۹۳). *کلیات جرم شناسی و تئوری های جدید*. تهران: انتشارات مجد.
۱۲. طاهری، حبیب الله (۱۳۷۵). *حقوق مدنی*. جلد سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۱۳. عبدالهی، محمد (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی در ایران؛ وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان شناسی گذار*. فصلنامه علمی پژوهشی *رفاه*، سال ۶، شماره ۲۵، صفحات ۲۳۳-۱۹۵.
۱۴. عمید، حسن (۱۳۷۴). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

۱۵. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۴). پایان نظم: بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن. ترجمه غلام عباس توسلی، تهران: نشر جامعه ایرانیان.
۱۶. فیلد، جان (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی. ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رمضانی، تهران: انتشارات کویر.
۱۷. قرآن کریم
۱۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۱). دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده. تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
۱۹. کلینی، محمد (۱۳۸۵). اصول کافی. ترجمه صادق حسن زاده، تهران: انتشارات قائم آل محمد.
۲۰. کوئن، بروس (۱۳۷۱). درآمدی به جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
۲۱. کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۲). مبانی جرم‌شناسی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۲. مراد فتاحیان، عزیز، و طاهریان، محمدعلی (۱۳۷۶). پایگاه اجتماعی بزهکاران کانون اصلاح و تربیت کرمانشاه، اداره کل زندانیان کرمانشاه، تهران.
۲۳. مطهری، مرتضی (۱۳۹۴). نظام حقوق زن در اسلام. قم: انتشارات اسلامی.
۲۴. معظمی، شهلا (۱۳۸۸). بزهکاری کودکان و نوجوانان. تهران: نشر دادگستر.
۲۵. ملک‌محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۶). نظریه‌های جرم‌شناسی. تهران: میزان.
۲۶. نهج البلاغه (۱۳۹۸ هـ.ق). تحقیق شیخ محمد عبده، بیروت: دارالمعرفه.
۲۷. نیکوگفتار، منصوره (۱۳۸۴). روی‌آوری به نقش خانواده در ایجاد بزهکاری. فصل‌نامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره تابستان و پاییز، صفحات ۴۱-۲۰.
28. Boehnke, K., Hagan, J., & Merkens, H. (1998). Right-wing extremism among german adolescents: Risk factors and protective factors. *Applied Psychology*, 47(1), 109-126
29. Coleman, J. W. (1991). Respectable crime. OJP Publication.
30. Fukuyama, F. (1995). *Trust: The social virtues and the creation of propriety*. Network: Free Press.
31. Hall, P. (1999). Social capital in Britain. *British Journal of Political Science*, 29(3), 417-61.